

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## سیر حکمت و عرفان در ایران باستان

اختلاف مذاهب و ادیان بر حسب سلیقه ها است، طبیعت های موبد و اعتقادات پیامبر حاصل شده اجتماعات است چنانچه سلیقه پیامبران هند نیایش و ستایش های بسیار با زحمت و پرمشقت بود که در مرتاضان و متدینین هندیان دیده میشود. چه اندازه رنجها، زحمتها و ریاضت های سخت می کشند و دین آنان از همه ادیان جهان پر رنج تر و پر مشقت ترست، ما در اینجا با سایر دیانت ها کار نداریم، سخن از آیین باستان مجوسان ایران می رانیم، تمام موبدان و پیامبران مجوس تا اوایل عصر دومین بدیوان معتقد بودند !!

در دره ها، غارها، کوه های ترسناک برای پرستش آنان می رفتند !!  
ولی در اواخر این عصر که اندکی حس و ادراک آنان نورانی شد به پریان و فرشتگان کرنش کردند، سرورها، عیشها، برکت های محصول سال و ماه و روز را از اثر آنان تصور کرده و توهّم نمودند !!

خورد خورد چون فرشتگان را در برابر دیوان دشمن و مخالف دانستند از اینان بآنان پناه بردند و پرستش آن می نمودند، این مسئله را باید دانست که نادانی در طبیعت مولد و مؤسس و مقوی ترس و هراس است !!

آدمی بهره ندادن ترست ترسش از آن بیشتر است !!

چنانکه در تاریکی شب انسان طبعاً بیشتر از روشنی روز میترسد !!

چونکه جهل و نادانی مقوی وهم و موید ترس است !!

برعکس دانش و دانائی موید سرور و از بین بردن ترس و بیم است !

بنابراین قانون طبیعی در اواخر عصر دوم که حس ایرانیان روشن شد ترس ایشان از دیوان کاسته و فرشتگان کرنش کردند ، یعنی شروع نمودند بفهمیدن علت و سبب اشیاء ، از بین بردن نادانی و رفع هرچیز ترسناک را بوسیله درمان آن ها ، مثلا از برای سرماهای سخت لباس های گرم و کلفت تهیه کردند ، از برای طوفانهای بزرگ اساس و بناهای استوار و سخت بنا نهادند ، در بیماری های مسری و مهلك به نگاهداری و پرهیز و گریز مهیا کردند !!

بدون آنکه خود دانند این قانون را طبیعت بدیشان آموخت که در آخر آن مصائب و هول ها و هراسها بجشن ها و سرورها و جاهای با صفا و آن غم هارا از بین ببرند ، پریان و فرشتگان را ضیافت و مهربانی نمایند چنانکه اکنون هم مجوسیان در دردها و غم ها دختر شاه پریان را دعوت می نمایند ، و هم بر می آید که موبدان ایشان نیز صاحب همین سلیقه و مشرب بوده اند چنانچه در آیین مجوس هنوز هنگام مرگ مردگان و عزاداری آنان جشن ها گرفته بهترین شراب هارا در آنجا بکار می برند .

خلاصه عصر دوم دور پریان شد ، فرشتگان در ملت ایران پر و بالی گشودند ، از این رو بسیاری از ماه ها و روزهای ایرانیان بنام فرشتگان نامیده می شود مانند : اسفند ماه ، مرداد ماه ، تیر ماه ، اردیبهشت ماه و غیره چون از فرشتگان استمداد می جستند از این جهت بنامهای آنان روزها و ماه های خویش را نامیدند اینک هم بهمان نام هاست .

کوتاه سخن دیو و فرشته که در دور اول، دیو بر کیتی استیلا یافت، در دور دوم فرشته سرآغاز است.

اینکه اعتقاد از ترس و امید طبیعی است، زیرا که در طبیعت ایشان اول خوئی که بروز می کند ترس و بیم است این جهان را يك ترس موحش ومدهش فرا گرفته است!! حتی بزرگان بسیار مقتدر از شنیدن يك صیحه و فریاد ناگهانی برخورد می لرزند و شیران درنده مهیب با سطوت از شنیدن يك صدای پر مرغ سخت میترسند و می هراسند!!

اگرچه دانشمندان جهان تا يك درجه کشف این اسرار را نمودند، برای پیدایش این طبیعت ها را در جانوران و انسان دانسته اند، اما حقیقت واقع هنوز مبادی این طبایع کشف نگشته است!

همین اندازه میگوئیم که ترس در طبیعت حافظ شخص و نوع است از خطرهای این عالم!!

اگر ترس در طبع انسان و جانوران نهاده نمیشد کمتر شخص از تلاطم امواج مصیبت ها و خطرهای این جهان جان سلامت می برد شکی نیست نوع انسان در حصار ترس از خیلی مهلکه ها محفوظ است.

بنابراین اول حس و ادراک در طبع بشر ترس و غم و اندوه و ادراک شدت ها و دردها است!!

حتی گرسنگی و تشنگی و برهنگی را با حس ترس و ادراک، درد باید دانست، از این رو بود که در اول زمانی که نوع بشر دارای ادراک شد درو ترس پیدا گشت!!

از هر چه بیشتر ترسید برای آن کوچکی میکرد و فروتن میگردد چون عالم بدان چیز نبود آن را بزرگ شمرده بستایش و نیایش برخاست !!  
 از این برهان طبیعی دلیل می آوریم بر تقدم و سبقت پرستش دیو بر نیایش پری زیرا که پری از حالت امید و سرور از برای رفتن اسباب ترس حاصل میشود، چنانچه خواجه گفته است :

دیو چو بیرون رود فرشته درآید .

تا اینجا استدلال ما بر سبقت دیوان بر پریان از راه تاریخ طبیعی بود!!  
 اما تباریخ ، کتابی اگر چه از دوهزار سال پیش از این در ایران نیست ، از چهارهزار سال پیش ابدأ تاریخ درست در عالم نیست ، آنچه نوشته اند تخمین ها بود ولی در تمام کتابهای یونانیان و فرنگیان و ایرانیان و مصریان و هندیان نوشته شده است که در يك عصر کره زمین در زیر پنجه قهر دیوان بود ، کتابهای آسمانی نیز مشعر بر این معنی است که دیوان را شیطان نامید و او را معلم ملائکه میخوانند !!

خلاصه نوشته های قدیم این است که : طاعات فرنگی

آدمیان بقوت و معاونت فرشتگان بیخ و بن دیوان را از زمین بر کنند مانند تهمورس دیوبند و غیره !!

این تاریخ با تاریخ طبیعی موافق است چنانچه از پیش گذشت که به نیروی نور دانش کم کم تاریکی نادانی را که موید هول و هراس است از میان برداشتند اندک اندک کشف علت خطرو هلاک را نمودند !!

در پیدا کردن درمان کوشیدند !!

برای روشن شدن خوانندگان در تاریخ طبیعی نشان دادیم .

آن‌ها مختصری از تاریخ بزرگ انسان و کیفیت و حالات و چگونگی رشد کودک تا زمان پیری و مرگ نمونه کتاب و اطوار و حالات انسانی است، چون شخص نمونه نوع است.

از این رو در این عالم حالات کودک‌های يك ساله تا سه و چهار ساله کیفیات زندگی و عقاید و اخلاق‌های آدمی را تا عصر اول بما نشان میدهد، از سه ساله تا هشت ساله حالت‌های آدم‌های عصر دوم را حکایت می‌کند، از هشت ساله تا چهارده ساله حالات و اطوار دوره سوم را بیان می‌سازد، این عصر که دوره تمدن انسان است، مقام بلوغ آن می‌باشد، برگردیم بر سر اعتقادات دوره دوم که ایرانیان بفرشتگان و پریان معتقد شدند و به پری پرستیدن گرویدند!!

این اعتقاد در ایران زیاده از هزار خصلت شد و خود طبیعت ثانوی پیدا کرد، زیرا که نخست باید دانست که از هر اعتقادی يك نوع خصلتی درملتی تولید میشود چه بسیار طبایع دوم بهم میرسد!!

از این اعتقاد بفرشتگان و پریان فراهم آوردن انجمن و جشنها و رفتن بی‌باغ و گلستانها دیدن لطیفه‌های طبیعت را در کوه‌ها و چشمه‌ها گلزارها و پیدا شدن سلیقه گل کاری و هنرهای زیبا و لطیف و بروز نیروی طبیعت پیدا شدن آواز و موسیقی و دستگاه‌های آن نمودار شدن انس و الفت و معاشرت با یکدیگر تولید حس و ادراک حسن و عشق و لطافت و مغالزه و عشق و ورزی‌ها و آغاز پاکیزگی و طهارت و زیندگی و ابراز غرور و کبر پیدا شدن رشک و رقابت و حسد و غیرت رفتن ترس و مخالفت آمدن تهور و شجاعت و جوانمردی و سماجت بروز هنرهای نقاشی و حجاری و نقشه عمارت و معماری پیدا شدن رنگ‌های خوش و طرزهای دلکش تمام اسباب آرایش و پیرایش حسن و جمال ایجاد شراب و غیره در ایران و ایرانیان شیوع و بروز بهم رسانید، خلاصه از اعتقاد به

پری در جاهای باصفا، خوش آب و هوا و جشن‌ها و انجمن‌ها تشکیل یافت .  
در اثر تشکیل انجمن‌ها این خوهای خوب و صنعت و هنرهای مرغوب و مانند  
آن در ایرانیان بروز نمود .

نمایش و پیدایش حاصل کرد، افکار آنان در این دوره بسیار ترقی کرد آن اندازه  
کسترش یافت که بزبان نیاید ، ولی برای مقدمه مطالب در اینجا بیک مشرب و وحدت  
وجود بیکه در ایرانیان از آن زمان پیدا شد اشاره میشود تا درجه‌ئی شرح افکار اهل  
آن زمان معلوم و ظاهر گردد .

نخست باید دانست دانشمندان فرنگستان که اساس هر صفت و ادراک طبیعت  
را درین کالبد میدانند از برای تولید اعتقاد و مشرب «وحدت وجود» در انسان تشریحات  
و توضیحات نمودند ، گویند .

عشق از غلبه شهوت و شهرت از حرکت خون و منی می‌باشد که در انسان است  
چون منی در وقت طغیان محل دفع از برایش آماده نشود دو باره جزء خون کشته در  
رگ‌ها جریان می‌افتد .

از این رو در جانوران نر بوی منی از بدن و گوشت و خون ایشان در طغیان  
منی در زمان مستی احساس میشود گوشت قوچهای تخمی بدین سبب در وقت ازدیاد  
منی و مستی بدبو است !!

در انسان نیز مانند جانوران جزء دوران خون شده بمناسبت طبیعی در دماغ  
انسان ماده مخصوص تولید مینماید که آن ماده مبتداء توهم و تصور مشرب «وحدت وجود»  
میشود که آدمی عاشقان نوع و طالب وجود و جوای «هوهو» کشته در دماغش بیماری  
بههم میرسد که شرح آن را باید در کتابهای اهل تصوف و عرفان خواند !! این مختصر  
کنجایش آنهمه داستانهای دور و دراز را ندارد !!

پایان سخن این است که منشاء این اعتقاد در دوره دوم در میان ایرانیان از غلبه شهوت و بروز عشق و عدم وصال بمعشون و معشوقه در جنس ایرانی بروز و ظهور کرد !!

تخم این درخت بدان روز کشته شد ، اگر چه آن اندازه که عصر دوم خدمت بطبیعت ایرانیان کرد هیچ عصری تا کنون آن اندازه خدمت نکرده است ، ولی افسوس که در آن فصل نیکو وزمین مستعد و هوای مساعد این بذر بسد کشته شده است که رشته تمام عیب‌های ملت ایران و ایرانیان از آن شد .

هم در این زمان بود که ایرانیان دیوان را بد دانسته و هر چیز بد را بدیشان نسبت دادند اهریمن را که بمعنی معیوب و پست است دیو گفتند اهریمن را فاعل هر شر پنداشتند فرشتگان را خوب و هر چیز خوب را از اثر کار آنان انگاشتند گمان کردند که اینان آنان را دوانیده و راندند !!!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

به نا نهاده دست نرسد و نهاده در هر جا که هست برسد . صیاد

بی روزی در دجله ماهی نگیرد و ماهی بی اجل در خشکی نمیرد .

(سعدی)